

نشریه فرهنگ اجتماعی گندم (شماره ۵)

دارای مجوز از کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه علامه طباطبائی
به شماره ۷/۳۶۵۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۶/۱۱

خانواده متعالی در ۸ گام

« کاری از کار گروه خانه و خانواده گندم »



بسم الله الرحمن الرحيم

در این نشریه می خوانیم ؛

○ سخن سردبیر

○ وظایف متقابل همسری

○ نحوه ارتباط پدر با فرزندان

○ نحوه ارتباط مادر با فرزندان

○ مادر الگوی صبر

○ پدر الگوی اقتدار

○ نقش جوان در خانواده و اجتماع

○ وظیفه تربیتی والدین در قبال کودکان

○ وظیفه تربیتی والدین در قبال نوجوانان

(ص ۲)

(ص ۳)

(ص ۵)

(ص ۱۰)

(ص ۱۴)

(ص ۱۸)

(ص ۲۳)

(ص ۳۰)

(ص ۳۵)





❖ سخن سردبیر؛

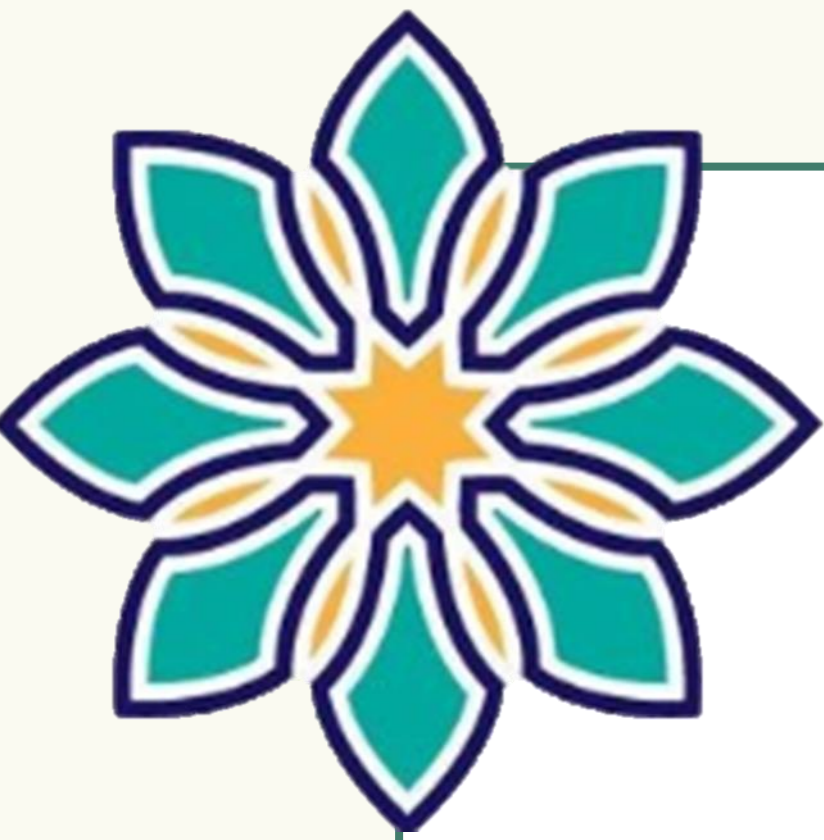
محبت نیاز اساسی طبیعی و فطری انسان و مهم‌ترین شاخصه خانواده متعالی در همه ادیان الهی بویژه اسلام است، زیرا که رفتار محبت‌آمیز یکی از عناصر مهم تاثیر گذار در عرصه تعلیم و تربیت است که رسالت و وظیفه سنگین تعلیم و تربیت را آسان‌تر و ثمراتش را آشکارتر می‌کند. نشریه گندم در این شماره به هشت گام اساسی در رسیدن به یک زندگی سالم و رشد یافته اشاره کرده است که رفتار محبت‌آمیز و حفظ حریم محبت مریبان و والدین بر تعلیم و تربیت فرزندان اساس این هشت گام محسوب میشود. در این شماره بطور مبسوط این موضوع تبیین شده و نیز اثبات کرده‌ایم که رفتار محبت‌آمیز مهم‌ترین شاخصه خانواده اسلامی و موثرترین ابزاری است که امکانات بالقوه فرزندان را به بهترین صورت ممکن استعدادهای آنها را به فعل در می‌آورد تا فرزندان مراحل رشد و تکامل را به بهترین وجه سپری کنند و به کمال برسند. رفتار محبت‌آمیز بسیاری از مشکلات و ناسازگاری‌ها را حل می‌کند کودکان نوجوانان و جوانان با ابراز محبت والدین اعتماد به نفس پیدا می‌کنند توجهشان به زندگی و خانواده چند برابر می‌شود امکان دانش‌اندوزی برایشان به بهترین نحو فراهم می‌شود و نسبت به خانواده مردم جامعه دین و ... احساس مسولیت فردی بیشتری پیدا می‌کنند و به طور کلی احساس خوشایندی نسبت به زندگی جامعه مدرسه خانواده و ... پیدا خواهند کرد.

گندم مفتخر است تا در شماره پنجم خود با همت گروه خانواده توانسته با عنوان «هشت گام» به موضوع رشد و تعالی فرد و خانواده می‌پردازد.

دکتر محسن حبیبی

سردبیر نشریه فرهنگی اجتماعی گندم





خانواده متعالی در ۸ گام

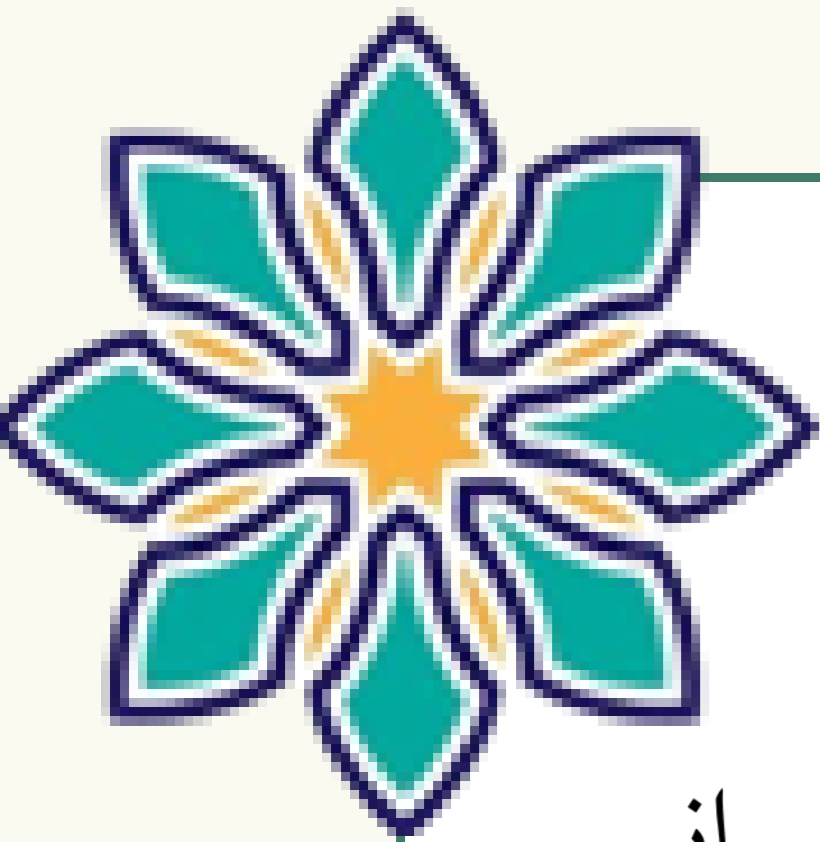
گام اول:

وظایف متقابل همسری؛

خانواده، مهم‌ترین و پربرکت‌ترین نهاد اجتماعی در تاریخ، فرهنگ و تمدن انسانی است. هدف اصلی ازدواج و تشکیل خانواده، رسیدن به آرامش و آسایش خاطر، پیمودن مسیر رشد و شکوفایی است. دوام زندگی مشترک، وابسته به محبت، دوستی، تفاهم، احترام متقابل و به رسمیت شناختن و رعایت حقوق همدیگر است.

زندگی مشترک یک ارتباط دو سویه است. اگر چه «وظایف» محدودی عمل آدم‌ها را مشخص می‌کند، ولی یک زندگی گوارا و دلنشین را نمی‌توان تنها بر حسب تذکر وظایف افراد، شکل داد. وظایف، برای پیشگیری از تخطی افراد است نه شکل‌دهنده‌ی یک زندگی زیبا و دلچسب.

عمده‌ترین وظایف مشترکی که انسجام عاطفی و معنوی بیشتری در خانواده ایجاد می‌کنند، عبارتند از: مهر ورزی نسبت به یکدیگر، احترام، بردباری در برابر ناملایمات و احترام به وابستگان همسر.



پای درس معصومین (سلام الله علیهم)؛

در بعضی از زندگی‌ها همسران بدون توجه به نیازها و خواسته‌های یک دیگر عمل می‌کنند، که این روش می‌تواند ماراتونی از لجاجت‌ها و مقابله به مثل‌ها را به وجود آورد.

در تاریخ می‌خوانیم: روز عاشورا، هنگامی که هلال بن نافع عازم میدان جنگ بود، همسر جوانش از رفتن او ناراحت شده و به شدت می‌گریست. امام حسین (ع) متوجه آن زوج گردید و به هلال فرمود: همسرت جدایی تو را نمی‌پسندد، تو آزادی و می‌توانی خشنودی او را بر مبارزه با شمشیرها مقدم بداری.

(الکافی، ج ۶، ص ۴۷۶)

خوب است بدانیم؛

اسلام مرد را قوأم و زن را ریحان می‌داند. این نه جسارت به زن است نه جسارت به مرد. نه نادیده گرفتن حق زن است و نه نادیده گرفتن حق مرد؛ بلکه، درست دیدن طبیعت آنهاست. ترازوی آنها هم اتفاقاً برابر است؛ یعنی وقتی جنس لطیف و زیبا و عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی را در یک کفه می‌گذاریم، و جنس مدیریت و کارکرد و محل اعتماد و تکیه گاه بودن برای زن را هم در کفه‌ی دیگر ترازو می‌گذاریم، این دو کفه با هم برابر می‌شوند. (farsi.khamenei.ir)



گام دوم؛

نحوه ارتباط پدر با فرزندان؛

در قدیم پدرها بسیار مقتدر بودند و رابطه عاطفی با فرزندان‌شان برقرار نمی‌کردند و نقش‌شان در خانه نان‌آور خانواده بود، اما این تصویر قدیمی از پدرها با تغییراتی که در فضای فرهنگی جامعه ایجاد شده، دیگر پذیرفته شده نیست زیرا در حال حاضر مادران نیز نان‌آور خانواده هستند و نقش عاطفی پدر با فرزندش می‌تواند در موفقیت‌های او در عرصه‌های مختلف بسیار موثر باشد.

در یک تحقیق بین‌المللی ثابت شده کودکانی که ارتباط خوبی با پدر خود داشته‌اند، در شرایط جدید و سخت منعطف‌تر رفتار کرده‌اند.

در حقیقت، پدر نسبت به مادر بیشتر می‌تواند توانایی انطباق با شرایط دشوار را به بچه‌ها بیاموزد و بعضی ویژگی‌ها باید از سوی پدران به بچه‌ها آموزش داده شود...

پسرها در ویژگی‌های شخصیتی‌شان مثل قاطعیت، هدف‌گذاری برای زندگی، انتخاب شغل و مهارت دوستی، پدرشان را الگو قرار می‌دهند.

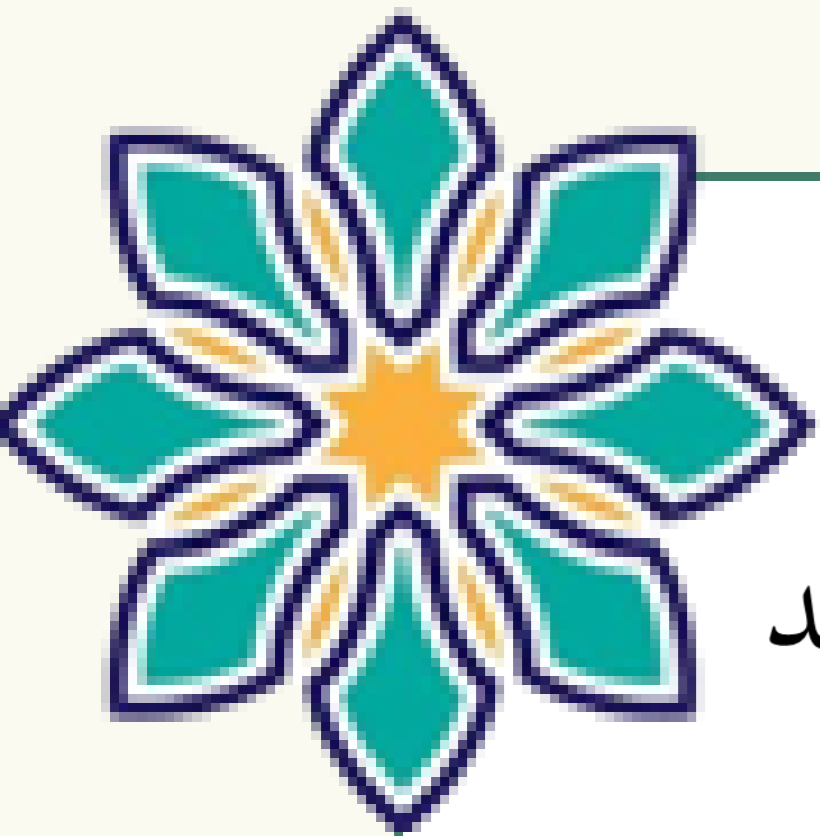


در مقابل دخترها بیشتر به حمایت عاطفی پدر نیاز دارند و نوع روابط دخترها با پدرشان در ارتباط با جنس مخالف و در آینده در ارتباط با همسر، خودش را نشان می‌دهد. در حقیقت، دخترانی که در خانه مورد حمایت عاطفی پدر واقع شده‌اند در ارتباط با جنس مخالف دچار تصمیم‌های لحظه‌ای و احساسی نمی‌شوند که علت آن هم این است که از نظر عاطفی اقناع شده‌اند.

مهم‌ترین ویژگی پدر چه باشد تا روابط خوبی با فرزندانش داشته باشد؟ جواب این سوال بسیاری از دغدغه‌های پدرانه را برطرف می‌کند. پدر واقعی نه سلطه‌گر است و نه زورگو. بسیاری از پدران وقتی در خانه حضور دارند مدام به بچه‌ها زور می‌گویند یا آنها را سرزنش و شخصیت‌شان را تخریب می‌کنند. باید بدانیم پدر نباید زورگو و مستبد باشد، بلکه بسیار اهمیت دارد که قاطع باشد و مهم‌تر اینکه مهارت‌های فرزندپروری را بلد باشد تا بتواند به فرزندانش کمک کند. «چون از تو بزرگ‌ترم، پس باید به حرفم گوش کنی.»، «چون من پدر تو هستم، پس هر چی من می‌گم درست است.» این جملات یک پیام مشخص را القا می‌کند؛ برقراری رابطه و تربیت بچه‌ها از موضع قدرت! چنین رفتاری باعث می‌شود بچه‌ها از والدین‌شان فاصله بگیرند و دیگر نمی‌توانند با آنها ارتباط موثری داشته باشند.



در مکتب حقایق پیش ادیب عشق
مان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی
دست از مس وجود تو مردان ره بشوی
تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی



پای درس معصومین (علیهم السلام)؛

در طول تاریخ همواره بر تشویق فرزندان به صفات اخلاقی و معنوی بسیار تاکید شده است.

امام سجاد(ع) فرمود: من به بیماری شدیدی مبتلا شدم.

پدرم بر بالینم آمد و فرمود: چه خواسته ای داری؟

عرض کردم: دوست دارم از کسانی باشم که درباره خداوند برایم تدبیر کرده، نپرسم؟

پدرم در مقابل این جمله به من آفرین گفت و فرمود: تو مانند ابراهیم خلیلی؛ به هنگام گرفتاری جبرئیل نزدش آمد و پرسید: از ما کمک می خواهی؟ او در جواب فرمود: درباره آنچه پیش آمده از خداوند سؤال نمی کنم. خداوند مرا کافی است و او بهترین وکیل است.

« بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۶۷ »

✓ محیط امن خانواده؛

خانواده یک محیط امنی است که در آن، چه فرزندان و چه خود پدر و مادر می توانند روح و فکر و ذهن خود را در این محیط امن و قابل اعتماد، سالم نگهدارند و رشد بدهند. وقتی خانواده سست شد، نسلهایی که همین طور پشت سر هم می آیند، بی حفاظاند. برای آموزش به بچه‌ها باید خود را هم سطح آنها در نظر گرفت. اگر مشکلی ایجاد شده باید با فضای مشارکتی و همدلانه بین والدین و بچه‌ها، راه حل درست را پیدا کرد.

به طور مثال: فرض کنید دختر شما در مدرسه دچار مشکل شده، راه حل درست این است که بگویید: «موضوع چیه؟ چی کار کردی که بچه‌ها با تو دوست نمی‌شن؟ تو دلت می‌خواد چه اتفاقی بیفته؟ به نظرت کارت درست بود؟ قبلا که یک دوست خوب داشتی چی کار می‌کردی؟ به نظرت چی کار می‌شه کرد؟» اگر راه‌حلی نداشت می‌توانید به او بگویید: «می‌توانی این راه را انتخاب کنی.»

شاید بگویید با شرایط سخت کاری و مشکلات اقتصادی چطور می‌توان روابط موثری با بچه‌ها برقرار کرد...؟ کار سختی نیست، فقط کافی است پدر همدلی باشید؛ یعنی در همان زمان کوتاهی که در منزل هستید برای کودک تان وقت بگذارید و با او بازی کنید و اوقاتی را خلق کنید که او دوست دارد.



گام سوم؛

نحوه ی ارتباط مادر با فرزندان؛

پیوندی که بین مادر و فرزند وجود دارد یکی از قوی ترین اتصالات در طبیعت می باشد، مادر و فرزند پیش از اینکه فرزند به دنیا بیاید می توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و روحیات و عواطف مادر می تواند تاثیر بسیار مستقیمی بر روی خلق و خوی فرزند داشته باشد، همچنین اینکه مادر تمامی نیازهای اولیه کودک را که به او احساس امنیت و آرامش می دهد فراهم می کند.

همه ی ما می دانیم که عشق بین مادر و فرزند یکی از عشق های بی قید و شرط است که با هیچ چیز قابل مقایسه نخواهد بود، اما باید بدانیم این عشق بی قید و شرط در آینده می تواند باعث به وجود آمدن مشکلاتی در بین مادر و فرزند شده و آنها را با چالش های بسیار زیادی روبرو کند؟!

اگر مادر مکرر به کودک خود بچسبد، اجازه ندهد او کارهایش را خودش انجام دهد، همیشه نگران و پیگیر باشد و تحمل یک ساعت دوری فرزندش را نداشته باشد باعث می شود همین عشق بی قید و شرط برای زندگی فرزندش مشکلاتی را ایجاد کند. چنین رفتارهایی در ارتباط بین مادر و فرزند یک اختلال رفتاری محسوب می شود.



مادران همزمان با اینکه معلم فرزندان‌شان هستند، کسانی هستند که باید مثل دانش‌آموزی مشتاق کنار دختر و پسرشان باشند و حتی از ایده‌ها و نظرات آن‌ها استفاده کرده و یاد بگیرند. این مسئله کودکان را تشویق می‌کند که خود و استعدادهایشان را پرورش داده و بتوانند فرد مفیدی باشند. در این بین ارتباطی که مادر می‌تواند بین فرزندان‌شان ایجاد کند بسیار به روابط خواهر و برادری کمک می‌کند. مثلاً به فرزند بزرگتر بیاموزد چطور آنچه که آموخته را به خواهر یا برادر کوچکتر از خودش آموزش دهد.

بخش مهمی از ارتباط بین مادر و فرزندان زمانی است که مادر شنونده خوبی برای حرف‌های فرزندان باشد و احساس همدلی، رازداری، حمایت را به فرزندان‌شان منتقل کند. وقتی مادری، همدلی بالایی دارد و در بین سخنان فرزندان‌شان آنها را نصیحت و تحقیر نمی‌کند باعث می‌شود دختر یا پسرش او را قابل اعتماد، تکیه‌گاه و یک دوست خوب ببیند. یکی دیگر از نکات مهم در ارتباط مادر فرزندی این است که بدانیم به دنبال اینکه ایده آل‌های خودمان را در او ایجاد کنیم، نباشیم.

فرزند ما انسانی جدا از ماست که حق انتخاب دارد و ما تنها در جایگاه والد می‌توانیم به او کمک کنیم تا تصمیم‌های درستی برای زندگی آینده‌اش بگیرد.

آفت ارتباط والد و فرزندی انتقاد بیش از حد نسبت به فرزند است قبل از انتقاد، نکات مثبت او را یادآور شوید تا او بعد از شنیدن نقاطی که باید تقویت شود یا رفتاری که در خود تغییر دهد پذیرتر باشد.



پای درس معصومین (علیهم السلام):

امّ خلف زوجهٔ مسلم بن عوسجه بود. گویند چون پسر مسلم، پدر را شهید دید مانند شیر شرز به بردمید و خواست به میدان جنگ برود. امام حسین فرمود: «ای جوان پدرت شهید شد تو نیز اگر شهید شوی مادرت چه کند؟» پسر مسلم خواست طریق مراجعت سپارد که مادرش شتاب زده راه برگرفت و گفت: «ای پسر، سلامت نفس را بر نصرت پسر پیامبر اختیار می کنی؟ هرگز از تو رضا نخواهم شد و هنگامی که پسر به شهادت رسید، مادر همی فریاد کرد: ای پسر شاد باش که هم اکنون از دستان ساقی کوثر سیراب خواهی شد.»

منبع

زنان عاشورایی (نقش زنان در نهضت امام حسین علیه السلام

از عاشورا تا سقوط امویان)

نویسنده: زهره یزدان پناه

انتشارات هلال ۱۳۸۳



رهبر انقلاب با اشاره به نقش سنگین یک مادر در تربیت فرزند فرمودند:
«مادر می‌تواند فرزندان را به بهترین وجهی تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله‌ی مادر، مثل
تربیت در کلاس درس نیست؛ بار رفتار است، با گفتار است، با عاطفه و نوازش و لالایی
خواندن است؛ با زندگی کردن است. مادران با زندگی کردن، فرزند تربیت می‌کنند.»

گام چهارم؛ مادر الگوی صبر؛

خانواده، نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او در آن شکل می‌گیرد، و الگوهای جسمی، عاطفی و شخصیتی کودک به واسطه آن پی ریزی می‌شوند. کودک در این محیط، نوع ارتباط را می‌آموزد.

صبر به عنوان یکی از مهمترین راهبردهای زمان سختی در نظر گرفته شده است. صبر فقط به معنای درون‌ریزی غم نیست؛ بلکه به معنای مهارت در به حداقل رساندن فشارهای روانی حاصل از مشکلات است. مادر نقش مهمی در کاهش یا افزایش تحمل افراد خانواده در برابر رفتارهای مشکل آفرین دارد. اگر مادران بتوانند ویژگی صبر را در خود پروراند و در زندگی خود به کار ببرند، فرزندان آنان نیز با الگو قرار دادن مادرانشان همین مسیر را ادامه می‌دهند و این ویژگی نسل به نسل انتقال خواهد یافت. البته همایندی صبر با طیف وسیعی از پیامدهای روانی مثبت در گروه‌های مختلف مورد توجه و تأیید قرار گرفته است و صبر والدین به ویژه مادر از رهگذر آنها با پیامدهای روانی مختلف در نزد فرزندان همراه می‌شود.



شیرین نشد پو زحمت مادر، وظیفه‌ای / فرخنده‌تر ندیدم ازین، هیچ دختری..

صبر در درجه نخست به عنوان تمایلی کاملاً طبیعی شناخته می‌شود که به فرد کمک می‌کند در برابر درد و رنجها آرامش خود را حفظ نماید و بدین لحاظ می‌تواند یکی از منابع فردی قدرتمند قلمداد شود. در واقع، صبر از جمله عواملی است که هم شناخت و هم هیجان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

استقامت، در واقع، جزیی از صبر است که به ایستادگی فرد در طی زمان و رها نساختن موضوع یا موقعیت توسط وی بازمی‌گردد. استقامت افراد با امید به آینده در آنان همبستگی معنی داری دارد؛ لذا می‌توان عنوان داشت که توانمندی استقامت مادر، وی را امیدوار ساخته تا برخلاف تمام مشکلات والدگری به احتمال زیاد در عرصه بروز مشکلات بماند و نسبت به رفتارهای ناسازگار کودک میدان تربیت وی را خالی نگذارد.

از سوی دیگر، استقامت به عنوان خویشتن داری در مقابل تکانه‌ها تعریف شده است. مادر برخوردار از این ویژگی در مقابل بازیگوشی‌های کودک و میل به تلافی و تنبیه، مقاومت می‌ورزد و از نمایش رفتارهای انتقام جویانه پرهیز می‌نماید که این نحوه تعامل مادر، کودک را از واکنشهای مقابله به مثل همچون پرخاشگری دور می‌سازد.



پای درس معصومین (علیهم السلام)؛

صبر مادرانه «ام البنین»

روزی امیر مؤمنان، عباس علیه السلام را در دامان خود گذاشت، آستین‌هایش را بالا زد و امام در حالی که به شدت می‌گریست به بوسیدن بازوان عباس علیه السلام پرداخت. ام البنین حیرت زده از این صحنه، از امام پرسید: «چرا گریه می‌کنید؟»

حضرت با صدایی آرام و اندوه زده پاسخ داد: «به این دو دست نگریستم و آنچه را بر سرشان خواهد آمد، به یاد آوردم.»

ام البنین شتابان و هراسان پرسید: «چه بر سر آنها خواهد آمد؟»

حضرت با آوایی مملو از غم و اندوه و تأثر فرمود: «آنها از ساعد قطع خواهند شد.»

این کلمات چون صاعقه ای بر ام البنین فرود آمد و قلبش را ذوب کرد. سپس او با اضطراب و به سرعت پرسید: «چرا قطع می‌شوند؟» امام به او خبر داد که فرزندش در راه یاری اسلام و دفاع از برادرش، حافظ شریعت الهی و ریحانه رسول الله صلی الله علیه و آله دستانش قطع خواهد شد.



مقام معظم رهبری؛

مادر، با این هویت، با این شخص، با این احساس غیر قابل توصیف که واقعاً احساس
مادر نسبت به فرزند اصلاً قابل توصیف نیست و ماها که نمی توانیم مادر باشیم، اصلاً درک
نمی کنیم عظمت این احساس را با یک چنین احساسی این مادر، هم تحمل می کند.
بجرت فرزند خودش را به سوی جبهه های جنگ، هم تحمل می کند شهادت او را، هم
افسار می کند. مادر طول این هشت سال دفاع مقدس و بعد از آن، از مادران،
کدام نسیم بلکه به عکس، مادرها را احساسی تر از بسیاری از پدرها تقسیم.

گام پنجم؛

پدر الگوی اقتدار؛



پدر، الگوی مقتدر برای فرزندان در خانواده است. مسئله پدر و عهده‌داری سرپرستی خانواده مسئولیتی خطیر است و موفقیت در آن مستلزم آگاهی، فداکاری، اخلاق و اعتقاد می‌باشد. او مسئول است اعتماد و امنیت را درون خانواده بیاورد و زمینه را برای استقلال و آینده فرزندان فراهم آورد. تصمیم‌گیری‌های خانواده می‌بایست متناسب با جایگاه هر کسی از نظر سنی، شخصیتی و جنسیتی و... در خانواده مشورت گرفته شود اما در اختلاف نظرها، شایسته است که تصمیم اصلی را پدر بگیرد.

پدر خانواده سه نقش اصلی، اقتصادی، تکیه‌گاهی و پشتیبانی دارد، پدر پشتیبان تصمیم‌های مادر در خانه است. این جایگاه مخصوصاً وقتی که بچه‌ها به سن بالاتر می‌رود مهم‌تر می‌شود.

نقش اقتدارگرایی در خانواده بر عهده پدر است نه با مادر، اگر خانه عنصر مقتدر نداشته باشد بچه‌ها از محبت مادرانه سوء استفاده می‌کنند و اگر عنصر اقتدار بر عنصر محبت مادر غلبه کند بچه‌ها دچار معضل پناه به بیرون از خانه می‌شوند.

اقتدار خانواده؛

کارشناسان معتقدند: پدرانی که بین عمل و گفتارشان تفاوت است و پدرانی که فرصت کافی برای ارتباط با فرزندان خود ندارند، الگوی مناسبی برای همانندسازی فرزندان نیستند. با این همه فرزندان در مسیر رشد از افراد بسیاری تاثیر می گیرند که در این میان نقش پدر بسیار پررنگ تر و با اهمیت تر است. نحوه استدلال پدر و به کارگیری وسایل برای ارتباط با کودکان تاثیر مستقیمی روی رفتار کودک دارد. پدر با رفتار و حرکات خود به کودک جهت می دهد و موجب رشد و یا سقوط شخصیت فرزند خود می شود.

یک کارشناس مسائل اجتماعی درباره نقش پدر در تربیت فرزندان، می گوید: پدر و مادر در خانواده دارای جایگاه ویژه ای هستند.

اهمیت پایگاه اجتماعی پدر برای فرزندان، نقش رهبری پدر در خانه و خانواده است.

حتی « مدت حضور پدر در خانواده و رفتار مسالمت آمیز او در خانه سبب می شود که کودکان در فراگیری دروس مدرسه بسیار جدی تر عمل کنند. »



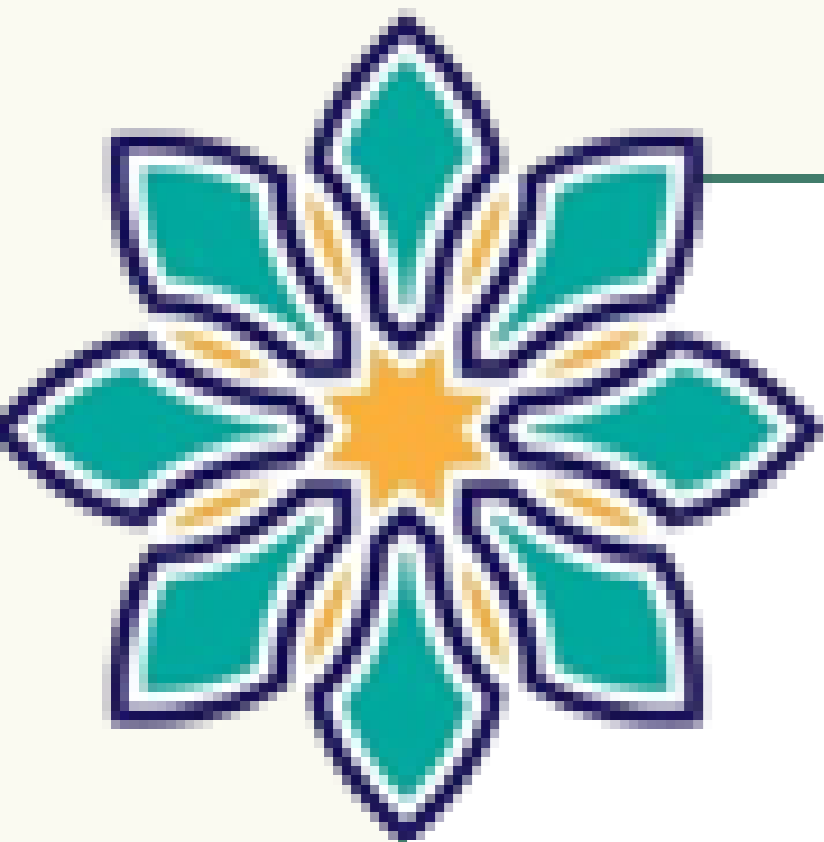
پدران باید شناخت مناسبی از ویژگی‌های دوران نوجوانی و جوانی فرزندان خود داشته باشند و خود را به وضعیت رفتار آنان نزدیک کند.

پدر به عنوان واسطه بین دنیای بیرون و خانواده، نقش اصلی در شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی و وجدانیات کودک دارد.

تحقیقات در مورد بزهکاری نشان می‌دهد که در دوره حساس بین ۳ تا ۶ سالگی نقش پدر در زندگی این افراد یا نبوده و یا کم‌رنگ بوده است.

اگر پدر خود را ملزم به رعایت اصول اخلاقی بداند، کودک همانندسازی بسیار خوبی از خود نشان نمی‌دهد، در نتیجه کودکان هم بدون توجه به اصول اخلاقی پرورش پیدا می‌کنند.





پای درس معصومین (علیهم السلام)؛

نامه امیر مومنان علیه السلام به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام نمونه‌ای بزرگ و مهم آموزش روش‌ها و راهکارهای ارزشمند نهفته و جنبه‌های مختلف تربیت و پرورش را روشن می‌کند:

« پسر من فضایل و ارزش‌های اخلاقی را برای تو نمایاندم و بر شمردم. پیش از آن که خواهش‌ها و دگرگونی‌های دنیا به تو هجوم آورند و پذیرش اطلاعات مشکل گردد. زیرا قلب نوجوان همچون زمین حاصلخیز و آماده کشت است که هر بذری در آن پاشیده شود می‌پذیرد.

پس در تربیت تو شتاب کردم پیش از آن که دل تو سخت شود و فکر و عقل تو به چیز دیگری متمایل و مشغول شود.»

از این سخن امیر مومنان علیه السلام می‌توان به نقش مهم آموزشی و الگو بودن پدر برای فرزندان را درک کرد.



مردم ما روز سیزدهم رجب را «روز پدر» نامیده‌اند. امام بزرگوار ما در حق این کشور
پدری کرد. پدر امت، یعنی منظر مهربانی و رحمت و منظر اقتدار و صلابت و
شخصیت؛ استحکام شخصیت در آن، در کنار محبت و مهربانی پدرانه.
(مقام معظم رهبری)

گام ششم؛

نقش جوان در خانواده و اجتماع:

مسیر زندگی انسان در تاریخ با فراز و فرودهایی همراه بوده است و این پیشرفت‌ها و عقب ماندگی‌ها زندگی انسان را از یکنواختی خارج کرده است.

چه تمدن‌هایی که به افول کشانده شده و چه انسان‌هایی که با تلاش و کوشش تمدن بنا کردند. این همه حاکی از این است که انسان موجودی است که در مسیر تعالی حرکت می‌کند پیشرفت انسان اجتماع را متحول می‌کند و گذشته را تغییر می‌دهد آینده را متفاوت ترسیم می‌کند و این یعنی تغییر یعنی تحول.

جوانی دوره‌ای از انسان است که ایجاد تحول می‌کند قدرت و حس استقلال و تلاش جوانی محرکی است قوی برای انسان تا فقط به تعالی فکر نماید و این باعث تغییرات گسترده‌ای در سطح جوامع می‌شود تغییر در اقتصاد و فرهنگ و باعث می‌شود تا جوان به زندگی در زمانی فکر نموده و خواهان تجربه آن باشد که والدین در دوران مشابه‌اش این چنین نبودند.

این امر باعث به وجود آمدن

فاصله بین والدین و فرزندان می‌شود پدر و مادری که با خاطرات خود زندگی می‌کنند و از گذشته می‌گویند و جوانانی که بی‌اطلاع از گذشته به فکر تحول و تغییر هستند.

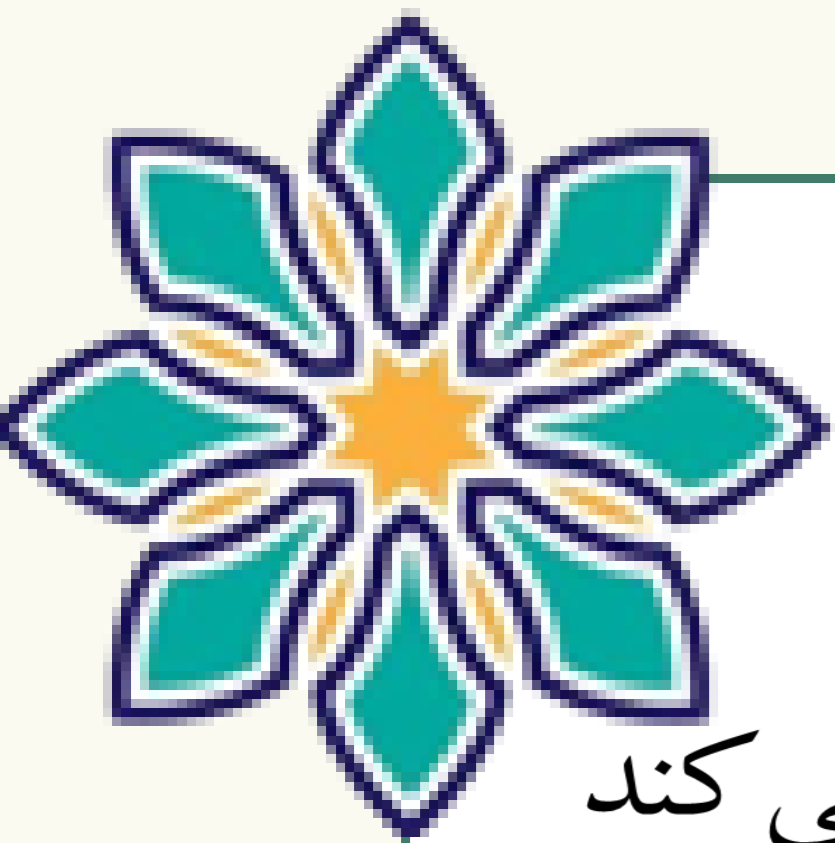




پوشش و غذا و بازی و روش‌های آموزشی و تکنولوژی و ارتباط‌گیری و سخن گفتن همه و همه در معرض تغییراند و جوان دوست ندارد که میراث گذشتگان را ادامه دهد.

در این میان اولاً وظیفه مسئولین فرهنگی و ثانیاً وظیفه والدین سنگین می‌شود تا نیازهای جوان را درک نمایند و با جوان با زبان عصر و زمانه خودش صحبت کنند حتی ادبیات گذشته نمی‌تواند جوان را قانع نماید.

کسانی در تربیت نسل جوان موفق هستند که همراه جوان به خواسته‌های جوان پی‌برند و با ایشان هم‌دل و همراه شوند تا بتوانند مسائل تربیتی مشترک بین انسان‌ها و البته معارف دین را به ایشان منتقل نمایند در غیر این صورت جوان مقاومت کرده و عکس‌العمل نشان خواهد داد که این عکس‌العمل‌ها می‌تواند به ضرر خانواده و خود این فرد و در نهایت اجتماع باشد.



مشورت با جوان

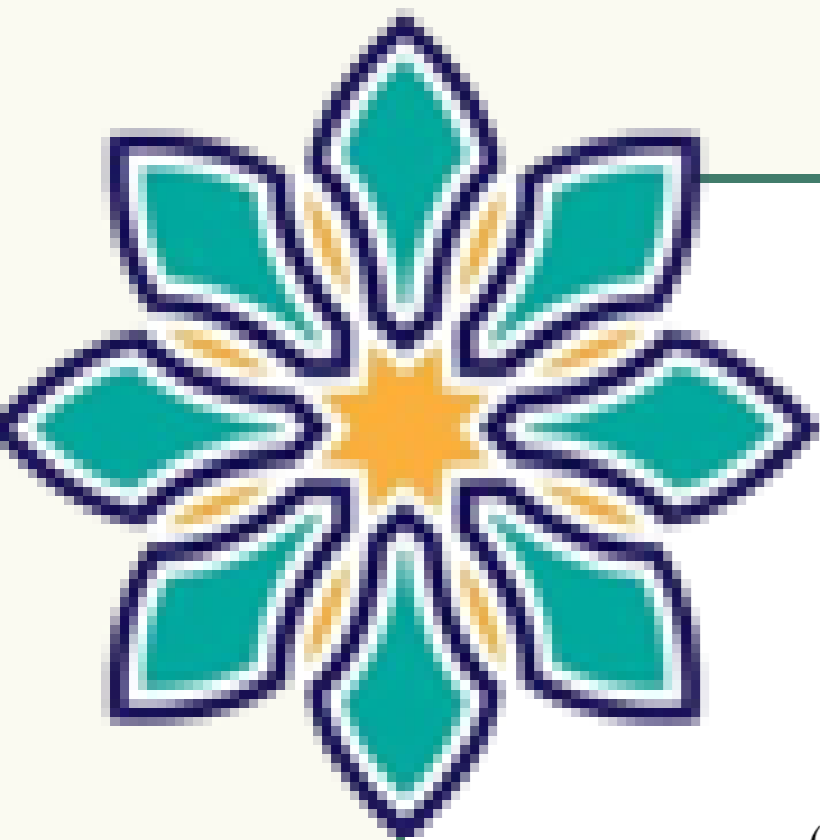
جوان انسانی است که همزمان با طی دوره بلوغ توانایی‌هایی را در خود احساس می‌کند و این توانایی‌ها در معاشرت با اجتماع و کسب آموزش‌هایی از افراد اجتماع شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد.

فطرت پاک و عدالت‌خواه جوان؛ نشاط و نوآوری جوان و تلاش و پشتکار مضاعف به خاطر سلامت جسمی جوان از مؤلفه‌هایی است که جوان را بر تولید فکر جدید و نو می‌دارد و جوان در اندیشه مسائل جدید سیر می‌کند.

بر خانواده‌ها فرض است که از جوان در مسائل مختلف خانواده مشورت بگیرند و البته به اندیشه نو و افکار جدید او اعتماد کرده و عمل نمایند تا جوان ترغیب به تولید فکر و اندیشه نو شده و اعتماد به نفس در بیان نظرات و عملیاتی کردن آن‌ها پیدا نماید.

همه می‌دانیم که آینده متعلق به نسل جوان است و لذا والدین موظف‌اند که جوان خود را با اعتماد به نفس بالاتر و مولد فکر و اندیشه نو تربیت نمایند.





درک حس استقلال طلبی جوان

حس استقلال طلبی گزینه‌ای ذاتی در انسان است و هر انسانی مستقل بودن را دوست دارد این حس در کودکی و نوجوانی هم به شکل‌های مختلفی بروز پیدا می‌کند ولی چون کودک و نوجوان توانایی ادامه استقلال خود را بنابه دلایلی ندارند این حس در دوره کودکی و نوجوانی پس از مدتی اوفول می‌کند ولی در جوانی این حس به شکل قابل ملاحظه‌ای رشد دارد که وظیفه والدین درک این حس و احترام گذاشتن به حس استقلال و کمک در جهت هدفمند کردن این حس است.

خانواده باید جوان را مستقل بار بیاورد نه وابسته به خود البته این استقلال نافی مشورت دادن به ایشان و کمک‌های والدین و بزرگان نیست بلکه مستقل تربیت کردن جوان یعنی اعتماد به او و کمک به اتخاذ تصمیمات در شرایط مختلف و بالابردن حس اعتماد به نفس و ترغیب به تفکر و برنامه‌ریزی در شرایط مختلف زندگی است.

جوان اگر مستقل بار بیاید کشور خود را نیز مستقل خواهد ساخت ولی اگر جوان وابسته تربیت شود آن کشور در آینده وابسته خواهد بود.





دوست بودن با جوان

دوست بودن با جوان به معنای رها شدن از قید و بندها با حفظ حریم و حرمت‌هاست. این که عنوان می‌شود والدین با فرزندان خود دوست باشند شاید بدان معناست که دوستان با رعایت حریم‌هایی صمیمیت خاصی نسبت به هم دارند و به راحتی باهم درد دل می‌کنند و در غم و شادی هم شریک‌اند از اسرار هم باخبراند و به هم اعتماد می‌کنند و روابط و مرام‌های نانوشته‌ای بین رفقا حاکم است. والدین می‌توانند با فرزندان خود ارتباط دوستی برقرار نمایند که علاوه بر حفظ حرمت و رعایت ادب و احترام اعتماد فرزندان خود را جلب نمایند و اسرار و درددل‌های فرزندان خود را بشنوند. رابطه دوستی اجازه نمی‌دهد فرزندان با وجود اختلاف سنی و فاصله زمانی از والدین خود فاصله بگیرند و ایشان را به عدم درک جوانان متهم نمایند. والدین باید نسبت به تربیت فرزندان خود حساس باشند و تربیت فرزند خود را به دست جامعه و مدرسه و دانشگاه و تلویزیون و... نسپارند زیرا اولین کانونی که انسان در آن قدم می‌گذارد کانون خانواده است و هیچ نهاد و مسئولی به اندازه والدین دلسوز فرزند ایشان نخواهد بود.



پای درس معصومین (علیهم السلام)؛

موفقیت در انجام مسؤولیت‌های خطیری که بر عهده یک‌ایک یاران امام حسین (علیه‌السلام) در کربلا نهاده شده بود، جز از طریق آراسته بودن به فضیلت‌های والای انسانی و الهی امکان‌پذیر نمی‌باشد. بدون شک وجود مجموعه‌ای از صفات و ویژگی‌های برجسته انسانی در جوانان و نوجوانان کربلا بود که آنان را به عنوان دلاورمردان تاریخ و اسوه همه ایثارگران بعد از خود در طول تاریخ زنده نگهداشته و جاودانه کرده است. در اینجا به برخی از ویژگی‌های جوانانی که تا آخرین قطره خون خویش از رهبری و اهداف والای این نهضت دفاع کردند، اشاره می‌شود. امید که این نوشتار ناچیز به آشنایی بیشتر نسل جوان جامعه اسلامی با اسوه و الگوهای جاودان نهضت عظیم عاشورا کمک نماید.

جوانان پاکباز عاشورا به دلیل پرورش در دامن خانواده‌های مؤمن و پرهیزکار، به کامل‌ترین مراحل ایمان دست یافته و در راه حاکمیت احکام الهی آماده شهادت بودند.

وقتی امام حسین (علیه‌السلام) در مسیر کربلا در منزل «قصر بنی مقاتل» به دنبال خوابی که دیده بودند، جمله «انالله و انا الیه راجعون» را بر زبان آوردند. «علی اکبر» جلو رفت و علت را جویا شد. حضرت فرمود: «اسب سواری جلو من در خواب ظاهر شد و گفت: این قوم شبانگاه در حرکت است و مرگ به استقبالشان می‌آید.» علی اکبر گفت: «پدرم! آیا ما بر حق نیستیم؟» حضرت فرمود: «سوگند به خدا که ما برحقیم» علی اکبر گفت: «پس ما را باکی از مرگ نیست.»

جوانان باید این سه خصوصیت را دنبال کنند؛

دوره‌ی جوانی، دوره‌ی توانایی است. این توانایی در سه جنبه‌ی باید به کار برود؛ به اعتماد من، باید اعتماد حاصل علم، در ایجاد صفای نفس و روحیه‌ی تقوا در خود و ایجاد نیروی جسمانی در خود (که ورزش باشد) به کار رود. این سه مورد، عمده است. یعنی اگر در یک جمله‌ی کوتاه از من پرسند که شما از جوان چه می‌خواهید؟ خواهیم گفت: تحصیل، تهذیب و ورزش من فکر می‌کنم که جوانان باید

این سه خصوصیت را دنبال کنند.

« قسمتی از بیانات رهبر معظم انقلاب »

گام هفتم؛

وظیفه تربیتی والدین در قبال کودکان؛

خانواده به منزله اولین مدرسه تربیت کودک است و ایجاد شرایط لازم در محیط خانواده، به عهده پدر و مادر است. اگر سرشت و منش، از کودکی با پرورش‌های صحیح تقویت شوند، تا پایان زندگی، ضامن خوشبختی کودک خواهد بود.

و اگر در خانواده به سرشت و منش کودک توجه نمایند و او را با روش‌های نادرست تربیت کنند، رفته رفته کودک از مسیر درست زندگی منحرف می‌شود.

مغز کودک، مانند دوربین عکاسی از تمام گفتار و رفتار پدر و مادر و اطرافیان خود عکس‌برداری می‌کند و مشاهدات و شنیده‌های دوران کودکی، برنامه زندگی فردای او خواهد بود.

پدران و مادرانی هستند که به تربیت صحیح فرزندان خویش توجه ندارند و آنان را به خلیقات ناپسند، آلوده می‌کند. پدران و مادرانی که دروغ می‌گویند، کودکان را فریب می‌دهند، به وعده‌های خود وفا نمی‌کنند و از این راه، به فرزندان و اجتماع، آسیب غیرقابل جبرانی وارد می‌کنند.



تربیت صحیح و پرورش صفات پسندیده در کودک، تنها در پرتو برنامه صحیح علمی و عملی میسر است و پدر و مادر، باید آن را به خوبی فرا گیرند. خانواده‌هایی که به فراگرفتن وظایف تربیت کودک، بی‌علاقه باشند و یا وظایف خود را انجام ندهند، در پرورش صحیح فرزندان خویش، موفق نخواهند شد.

احترام به کودک و حسن معاشرت پدر و مادر با وی، یکی از اساسی‌ترین عوامل ایجاد شخصیت در کودک است. پدران و مادران می‌توانند از راه‌های مختلف گفتاری و رفتاری، به فرزندان خود، احترام کنند. همه کودکان نیاز به عشق دارند و همه آن‌ها سزاوار عشق بدون قید و شرط هستند.

ممکن است ما به کودکانمان بیش از حد، همه چیز بدهیم. ممکن است به آن‌ها جایزه‌هایی بدهیم که حتی سزاوار آن نیستند. جایزه‌های بی‌مورد به جای این که خدمتی به آن‌ها بکند، آن‌ها را از درون تهی و نسبت به ما متوقع می‌کند. دوست داشتن را با جایزه دادن یکی نکنیم، زیرا هنگامی که ما عشق را با دادن همه چیز معادل‌سازی می‌کنیم، ظرفیت بچه‌ها را برای تجربه شادی ابدی، عشق بی‌قید و شرطی مثل آغوش مادر، بوسیدن و بازی کردن پایین می‌آوریم و آن را به سطح چند کالا و عروسک تنزل می‌دهیم.

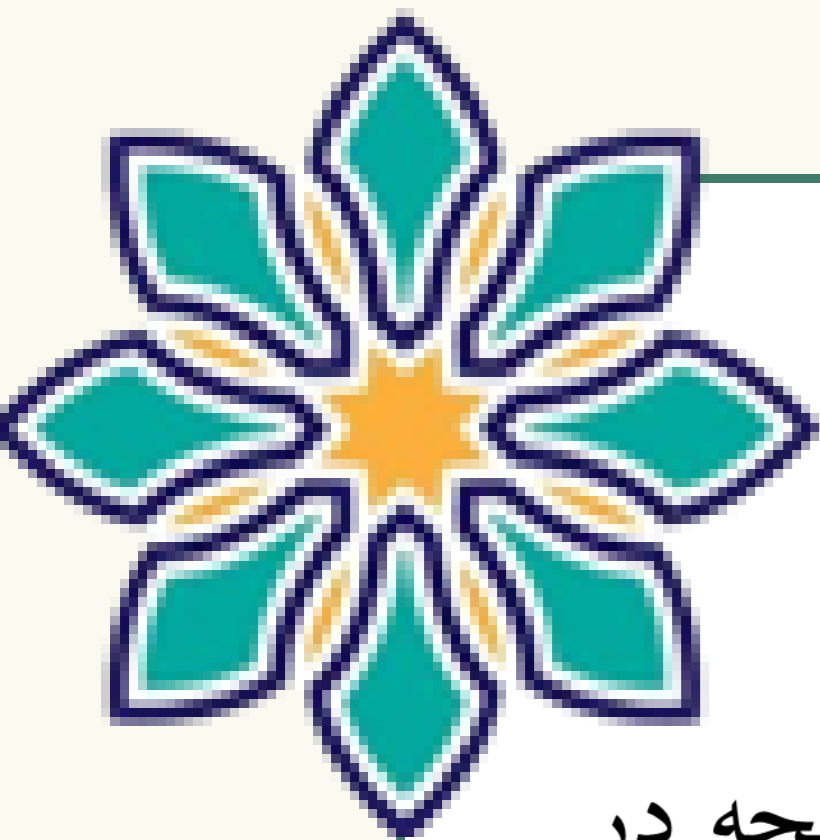
عشق تنها چیزی است که هرچه به کودکانمان بدهیم، زیاد نیست. عشق ساده است. کالا نیست بلکه احساس پذیرش کامل است که تقدیم کودکان می‌کنیم. ما آن‌ها را دوست داریم چون آن‌ها سزاوار عشق هستند

محبت به فرزندان امری درونی است که خداوند آن را در دل والدین به ودیعت نهاده است. اما آنچه در این میان مهم می‌نماید و آثار تربیتی در پی دارد ابراز آن است. این امری اختیاری است و آنها می‌توانند در پرتو آن زمینه تربیت صحیح را فراهم آورند. چه بسیارند والدینی که در برابر فرزندان خود محبت فراوان دارند اما آن را ابراز نمی‌کنند در حالی که محبت وقتی سازنده و تاثیر گذار خواهد بود که فرد مورد محبت از آن آگاهی یابد. امام حسین (ع) به عنوان الگوی تربیتی مطمئن و کامل محبت به فرزندان را از نیازهای ضروری آنان دانسته، در قالب‌های گوناگون به ابراز آن می‌پرداخت. گاه با در آغوش گرفتن و به سینه چسبانیدن خردسالان، زمانی با بوسیدن آنان و گاه با به زبان آوردن کلمات شیرین و محبت آمیز.

عبداللہ بن عتبہ چنین می‌گوید:

«نزد حسین بن علی (ع) بودم که علی بن حسین (ع) وارد شد. حسین (ع) او را صدا زد، در آغوش گرفت و به سینه چسبانید، میان دو چشمش را بوسید و سپس فرمود: پدرم به فدایت باد، چقدر خوشبو و زیبایی!»

منبع: hawzah.net



پای درس معصومین (علیهم السلام)؛

محبت به فرزندان امری درونی است که خداوند آن را در دل والدین به ودیعت نهاده است. اما آنچه در این میان مهم می‌نماید و آثار تربیتی در پی دارد ابراز آن است. این امری اختیاری است و آنها می‌توانند در پرتو آن زمینه تربیت صحیح را فراهم آورند. چه بسیارند والدینی که در برابر فرزندان خود محبت فراوان دارند اما آن را ابراز نمی‌کنند در حالی که محبت وقتی سازنده و تاثیر گذار خواهد بود که فرد مورد محبت از آن آگاهی یابد. امام حسین (ع) به عنوان الگوی تربیتی مطمئن و کامل محبت به فرزندان را از نیازهای ضروری آنان دانسته، در قالب‌های گوناگون به ابراز آن می‌پرداخت. گاه با در آغوش گرفتن و به سینه چسبانیدن خردسالان، زمانی با بوسیدن آنان و گاه با به زبان آوردن کلمات شیرین و محبت آمیز. عیدالله بن عتبه چنین می‌گوید:

«نزد حسین بن علی (ع) بودم که علی بن حسین (ع) وارد شد. حسین (ع) او را صدا زد، در آغوش گرفت و به سینه چسبانید، میان دو چشمش را بوسید و سپس فرمود: پدرم به فدایت باد، چقدر خوشبو و زیبایی!»

منبع: hawzah.net



سعی کنید چه با ابا ایمان کنید؛ ایمان به خدا، ایمان به حقیقت مطلق و ایمان به اسلام. اگر این
چه با ابا ایمان برورش پیدا کرد و شما توانستید در ایمان راد دلشان بکارید، در آینده می شود از
آنها هر شخصیت عظیمی ساخت و برای هر کاری مناسبند. اگر این عنصر را در آنها داشته
باشم، برای هیچ کاری مناسب نیستند؛ سرچه شوند، نامطمئنند. سیاستدار شوند، نامطمئنند، تاجر
شوند، کارگر شوند، نویسند یا سزمنند شوند، نامطمئنند. سعی کنید ایمان راد چه با تقویت کنید. این

اولین نقطه راه است.

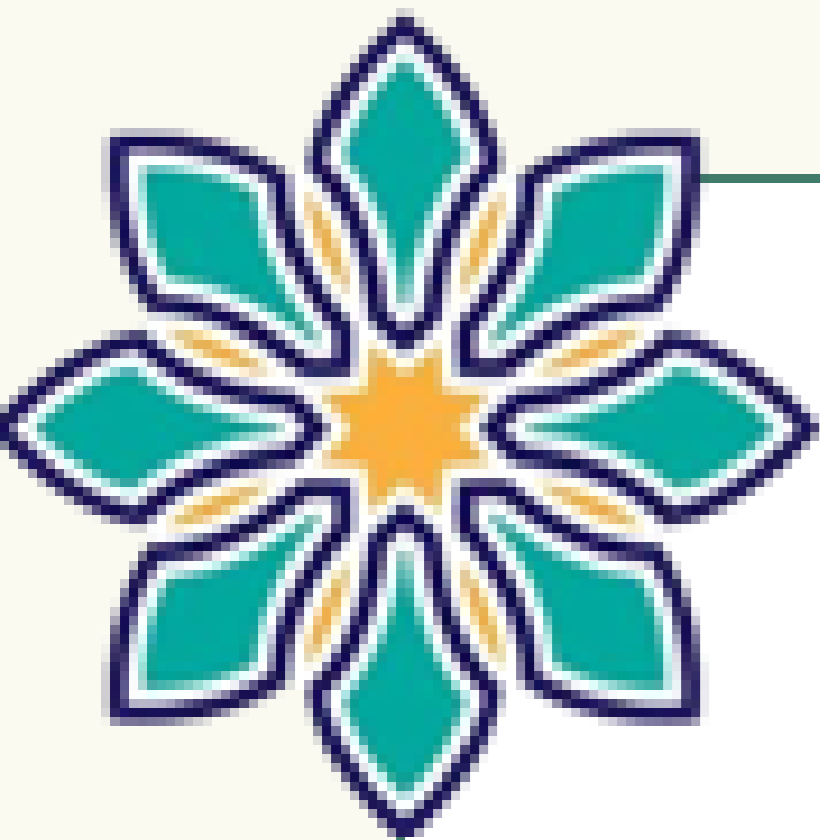
(بیانات مقام معظم رهبری)

وظیفه تربیتی والدین در قبال نوجوانان؛

خانواده سالم و پویا، خانواده‌ای است که بین اعضای آن خانواده (بین پدر و مادر و بین پدر و فرزندان و بین مادر و فرزندان) ارتباطات سالم و سازنده برقرار باشد. والدین توانا کسانی هستند که علاوه بر داشتن دانش و اطلاعات در حوزه کودک و نوجوان، مهارت استفاده از این دانش را هم بلدند که چگونه باید از این دانش و اطلاعاتشان استفاده کنند. ما غالباً یا نسبت به بچه‌ها عشق داریم یا قدرت. در حالی که اصل مهم می‌گوید شما باید عشق توأم با اقتدار داشته باشید یعنی در عین مهربان بودن و صمیمیت و پذیرا بودن مقتدر هم باشید، جاهایی هم لازم است شما اقتدار و قانون را داشته باشید.

والدین باید از شیوه‌ها و راهکارهای مناسب در برقراری ارتباط با فرزندان آگاهی داشته باشند. برای مثال در دوران کودکی با محبت کردن، بازی کردن و... می‌توان به کودک شخصیت داد و با ایجاد امنیت روحی و روانی ارتباط مؤثری با او برقرار کرد، در حالی که در دوران نوجوانی وضع به گونه‌ای دیگر است و با ایجاد عزت نفس، تقویت اعتماد به نفس و... می‌توان زمینه‌های رشد و کمال نوجوان را فراهم نمود و راه ارتباط با او را فراهم کرد.





وظایف والدین در قبال نوجوان

اصل برآورده نمودن نیازهای پایه:

نوجوان مثل بقیه افراد نیازهای اولیه‌ای دارد که این نیازهای اولیه همان نیازهای جسمانی و فیزیولوژیک آنهاست. در این سن چون همزمان با هم رشد جسمانی و احساسی را با هم تجربه می‌کنند و نیز نسبت به دنیا هویت پیدا می‌کنند و جهان بینشان هم شکل می‌گیرد. این نیازها همزمان می‌شود و به همین دلیل والدین باید تنها نکته‌ای که والدین باید به یاد داشته باشند «به اندازه، بجا و به موقع نیازشان را برآورده کنند.»



اصل ایجاد امنیت روانی:

ما باید خانه و خانواده را مهم‌ترین کانون تامین‌کننده نیازهای روانی یک نوجوان بدانیم. چرا؟ چون در این سن به دلیل اینکه مستقل می‌شوند خیلی راحت (یا تحت تاثیر محیط‌اند یا دوست دارند با هم‌سن و سال‌هایشان باشند و دوست دارند وقت بیشتری را در بیرون از خانه بگذرانند. پس باید اصل ما این باشد که *فضای خانه سرشار از امنیت و آرامش و جذابیت باشد.*

من با نوجوانم حرف مشترکی داشته باشم

من با نوجوانم شوخی کنم،

من نوجوانم را دعوت کنم نظر بدهد. «ما می‌خواهیم برویم تعطیلات هفته آینده

مسافرت؛ کجا برویم؟ این رفتار باعث می‌شود که او امنیت روانی داشته باشد.



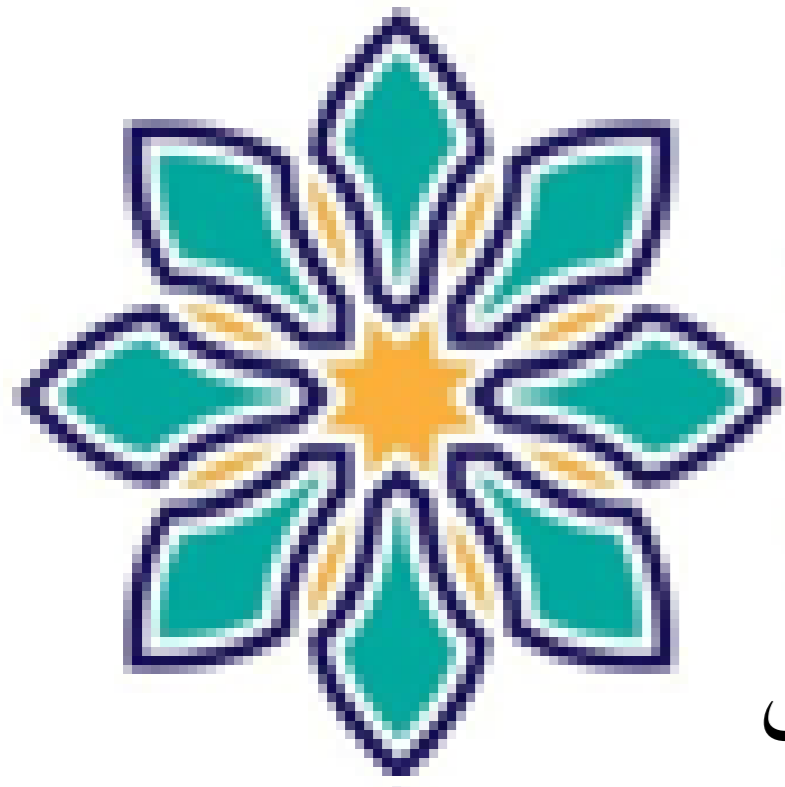


اصل پذیرش و احترام:

مهم‌ترین مسئله این است که فرزند نوجوان ما بداند ما او را همانطوری که هست پذیرفته‌ایم. خیلی وقت‌ها فکر می‌کنند پذیرش ما به آنها کم شده است. ما باید به آنها حس محترم بودن بدهیم و به آنها بگوییم آنها قابل احترامند و به آنها بگوییم ما هم سن و سال شما بودیم و این شرایط را درک می‌کنیم. به او بگوییم: تو می‌توانی اظهار نظر کنی.

تو اگر مخالف نظری هستی، می‌توانی بگویی اصول ارتباط درست را به او یاد می‌دهیم. به او بگوییم تو می‌توانی در مورد خواسته‌ات صحبت کنی،

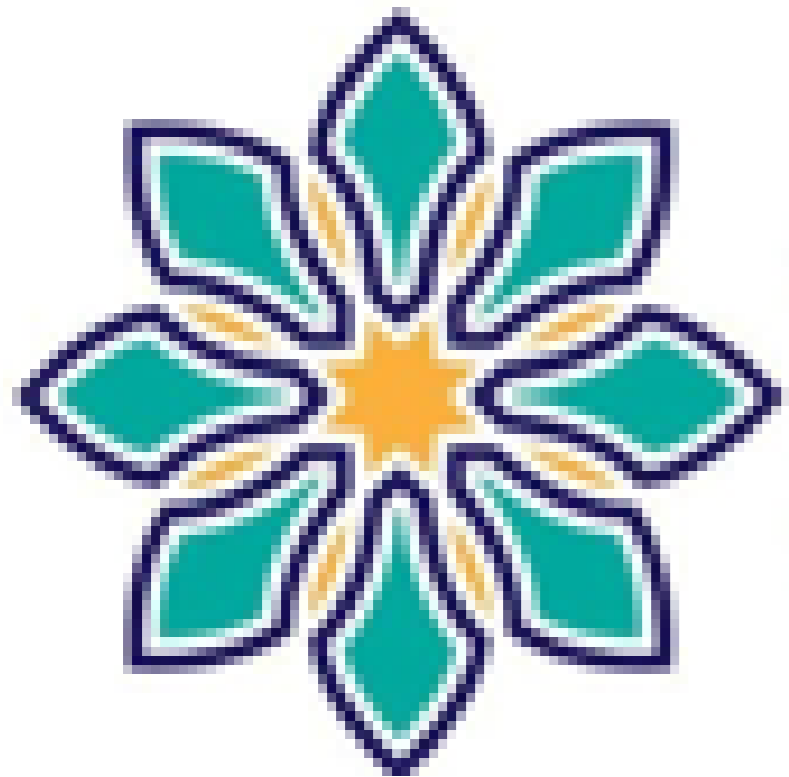
یا تو می‌توانی در مورد احساسات صحبت کنی.



اصل پرهیز از افراط و تفریط:

سعی کنیم با نوجوانان، بر اساس اصل اعتدال رفتار کنیم. مقررات و انضباط را تعیین کنیم. برای اعمال مقررات سعی کنیم در مرحله اول ما پایبند باشیم.

خانواده محیط اصلی پرورش نوجوان محسوب می‌شود. رفتار و کردار اخلاقی و تامین زندگی بدون اضطراب، نوجوان را به سوی تقوا و درستکاری سوق می‌دهد. بی‌توجهی و سهل‌انگاری نسبت به تربیت نوجوان و تامین نکردن عشق، توجه، دلسوزی و راهنمایی از طرف والدین، نوجوان را به سوی بی‌بندوباری، نومیدی، عصیانگری می‌برد. پاسخ درست به خواهش‌های روانی و تمایلات درونی کودک و نوجوان از اساسی‌ترین مسائل تربیتی است. حضور پویای والدین در کانون خانواده از جنبه تربیتی از اهمیت زیادی برخوردار است. بی‌تفاوتی، خونسردی و سکوت دائمی والدین تاثیر منفی بر نوجوان دارد. رابطه پویا و فعال والدین و نوجوان موجب می‌شود که او بدون ترس و واگمه مسائل خود را با آنان در میان بگذارد و راهنمایی بخواهد.



پای درس معصومین (علیهم السلام)؛

نوجوانان و جوانان پاکباز عاشورا به دلیل پرورش در دامن خانواده‌های مؤمن و پرهیزکار، به کامل‌ترین مراحل ایمان دست یافته و در راه حاکمیت احکام الهی آماده شهادت بودند. وقتی امام حسین (علیه‌السلام) در مسیر کربلا در منزل «قصر بنی مقاتل» به دنبال خوابی که دیده بودند، جمله «انا لله و انا الیه راجعون» را بر زبان آوردند. «علی اکبر» جلو رفت و علت را جویا شد. حضرت فرمود: «اسب سواری جلو من در خواب ظاهر شد و گفت: این قوم شبانگاه در حرکت است و مرگ به استقبال‌شان می‌آید.» علی اکبر گفت: «پدرم! آیا ما بر حق نیستیم؟» حضرت فرمود: «سوگند به خدا که ما برحق ایم» علی اکبر گفت: «پس ما را باکی از مرگ نیست.»

نوجوانان و جوانان کربلا در گذشت و فداکاری چنان جلوه‌نمائی کرده‌اند که فداکاری از این نوع را چشم تاریخ به خود ندیده است.

امروز شما نوجوانید؛ استعداد شما امروز برای فراگیری و برای خودسازی خیلی
زیاد است. از این فرصت استفاده کنید. خودسازی کنید؛ هم خود
سازی جسمی، هم خودسازی معنوی و روحی، هم خودسازی فکری.
«از بیانات مقام معظم رهبری به نوجوانان»



واحد دانشگاه علامه طباطبائی



دانشگاه علامه طباطبائی

کانون فرهنگی هنری «گندم»

با مجوز از جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی
شماره ۱۳۹۹/۰۴/۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۱ ص ۹۹/۱۱/۲۱۴

نشریه «گندم»

با مجوز از کمیته ناظر بر نشیات دانشگاه علامه طباطبائی
به شماره ۷/۳۶۵۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

مدیر مسئول و سردبیر:

دکتر محسن حبیبی
(عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)

اسامی همکاران این شماره

سیده فاطمه شفیعی، فاطمه فدایی،
فاطمه فرح آبادی، ریحانه رضامهدی،
زینب میرزاجانی،
نرگس محسن زاده، فاطمه جوان،
زینب همتی پور